

? ملیت یا امت؟

✍️ دکتر فریبا elasوند، عضو هیئت علمی پژوهشکده زن و خانواده

👉 این مسأله که انسان‌ها پیرامون چه مفاهیمی متحد می‌شوند به عناصر مختلفی مانند باور دینی، عواطف انسانی، دیگری سازی، قدرت # رسانه و قدرت سازی دانشی گirdاگرد مفاهیم بستگی دارد.

📌 # صهیونیسم بی معناترین، خشن‌ترین، نژادپرستانه‌ترین و استکباری‌ترین مفهومی بود که با استفاده از رسانه، ساختهای اطلاعات-محور اروپایی پساهیتلریسم، توانست تا هفتاد سال اتحاد منطقه‌ای و جهانی بسازد. این در حالی بود که «بی وطنی» توصیف مهمی بود که در تمام این مدت برای یهودی‌های ساکن سرزمینهای اشغالی همواره از سوی مخالفان به کار رفت و امروزه در اوج عدم مشروعیت صهیونیسم «پیمان ابراهیم» در میان قدرتها وحدت ساز شده است!

📖 در مقابل، از روزگاری که امام امت مسأله مرز # اسلام را به عنوان مرزی مهم مطرح فرموده و از امت اسلامی و درد مشترکشان سخن گفت، هیچگاه تا امروز # فلسطین و غزه محور اتحادی این‌چنین نبود. این که غزه برای بسیاری از مردم جهان محور اتحاد می‌شود به میزان عواطف انسانی آنها نسبت به مظلوم و قربانی، درجه آگاهی شان از فلسفه وجودی اسرائیل و سپس به تعبیر خودشان از انسانیت بستگی دارد. این شعار از هفتم اکتبر ۲۰۲۴ بسیار تکرار شد که «برای آن که از # غزه دفاع کنی لازم نیست مسلمان باشی بلکه کافیست انسان باشی». روشن است که مفهوم انسان از مفهوم مؤمن، مسلمان، ملیت و امت بسی گشاده‌تر است. حال بگذریم از این که ارتقای آگاهی آنها و پیوستگی عاطفی آنها به محور # مقاومت به انگیزه بسیاری برای پیوستن به امت اسلامی و مسلمان شدن آنها گردید.

← بنابراین مفاهیم زیادی هستند که می‌توانند محور اتحاد باشند. مفاهیم

دیگری که در دو سال گذشته چنین کاربردی داشتند عبارتند از نسل کشی، نژادپرستی و سمت درست تاریخ، که به وضوح صف بسیاری از مردم در جهان را یکی ساخته است.

📌 در این میان ایجاد تقابل میان امت گرایی و ملیت گرایی تلاش جدیدی برای دوقطبی سازی است که به سرعت در میان طرفداران شعار «نه غزه نه لبنان» توییت به توییت می شود! محتوای این سوژه جدید این است که #ملیت توان بیشتری برای ایجاد اتحاد در میان ایرانیان دارد تا «امت». این سخن از یکسو صحیح و از دهها سو غلط است. از این سو درست است که انسان ها زمانی که منفعت یا خطر را نزدیکتر به خود احساس کنند انگیزه های بیشتری برای کنش و واکنش دارند. این رخداد بسیار طبیعی است. اما از جهات مختلف سخن نادرستی است. اول این که گستردگی حوزه نگرانی کاملا به صفات اخلاقی آدمیان بستگی دارد. همانگونه که فردی خودخواه تنها نگران خویش است نه دیگران و البته در قضاوت دیگران این خلق ناپسند است، اگر کسی افزون بر این نگران همسایه اش باشد فردی نیکو و اگر همسایه اش را بر خود ترجیح دهد فردی نیکوتر است. حال اگر یک ایرانی هم غم خود می خورد هم غم #امت را به این معناست که او فردی نیکوتر است. اگر چنین نباشد باید او را بیدارتر، آگاه تر و مهربان تر کرد نه این که بر طبل خودخواهی کوبید.

□ دوم این که اندیشه امت گرایی یک اندیشه برین و برتر است که نیازمند بحث های طولانی تر است که بهتر است چنین موضوعی به جای آن که محور توییت و ری توییت باشد محور بحث های علمی بوده و روی میز دانشگاه های ما برود. جای تعجب است که اصحاب این دیدگاه در همین زمانه از مفاهیمی مانند «شهروندی جهانی» و «جهان وطنی» سخن گفته و برای ملحق شدن به دهکده جهانی طرفدار تاب آوری فکری، تکثرگرایی و ارزش های کوتاه و حداقلی هستند.

□ سوم این که احساس وحدت و یگانگی با محور مقاومت در جهان، دلیل گسیل عاشقان ایران اسلامی و امت مسلمان به جانفشانی در مرزهای دورتر شد که در جای خود باعث شد خطر تا سالها از این آب و خاک دور باشد. همواره از سوی «رزمندگان امت» شنیدیم که اگر ما امروز در لبنان و سوریه نجنگیم باید در #ایران بکنجیم. امروز مردم عادی بسیار زودتر و بهتر از

پاره‌ای از نخبگان اجتماعی و سیاسی متوجه شدند از دست دادن جبهه‌های سوریه و لبنان یعنی همان مرز دوهزار کیلومتر دورتر، یعنی همان مرز امت، باعث وقاحت دشمن و حمله او به این سرزمین ایرانی و ملیت سرافراز ایران شد. بنابراین حفاظت از همان مرز حفاظت از ایران و ملیت هم بود.